مطالعات اسلامی زنان و خانواده
دوفصلنامه علمی- پژوهشی
سال دهم- شماره هجدهم
بهار و تابستان ۱۴۰۲

تحلیل فرایند قانون‌گذاری در حوزه فعالیت‌های خانه‌داری زنان

فریبا سیدان[۱]
مریم محسنی[۲]

چکیده

پژوهش حاضر از جمله کارهای پژوهشی راهبردی با برد کلان است و پژوهشگران با یک سوال اصلی و سه سوال فرعی، به بررسی سیاست‌گذاری‌ها و قوانین موجود می‌پردازند. چهارچوب مفهومی مورد استفاده، فرانظری است. روش به کار گرفته‌شده برای بررسی و تحلیل قوانین موجود، تحلیل محتوای کیفی است که سیاست‌گذاری‌ها و قوانین کنونی را در سه سطح کلان، میانی و خرد، بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است توجه به زنان و در نتیجه فعالیت‌های خانه‌داری زنان، مد نظر سیاست‌گذاران کشور قرار گرفته است؛ اما زمانی که به لایه‌های پایین‌تر در سطح قانون‌گذاری، عملیاتی کردن و پیاده‌سازی قوانین مراجعه می‌شود، از میزان قانون‌گذاری در چهارچوب خانواده‌محوری و اجرایی ساختن قوانین برای کلیه زنان خانه‌دار کاسته شده و در حد پیاده‌سازی برخی برنامه‌های حمایتی باقی می‌ماند. لذا پیشنهاد می‌شود قوانینی که به‌صورت راهبردی هستند، به سطوح میانی و خرد و قابل اجرا نیز تعمیم پیدا کنند. همچنین محوریت خانواده در قانون‌گذاری، که از لوازم ثبات و استحکام نظام است؛ با این قوانین مقطعی و پراکنده رعایت نشده است. از طرف دیگر، مد نظر قرار ندادن ضمانت اجرای قوانین، موجب شده است که قوانین به‌صورت جزیره‌ای تدوین شوند و به زوایای مختلف آن توجه نشود. بر این اساس، ضرورت دارد در قانون‌گذاری در حوزه کار خانگی زنان، تفکیک مناسبی صورت گیرد و به طور دقیق مشخص شود که قوانین، مربوط به کدام قشر از زنان هستند.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری، فعالیت‌های خانه‌داری، قوانین، زنان.

---

۱. استادیار گروه مطالعات زنان و خانواده دانشگاه الزهرا(س) رشته جامعه شناسی، تهران، ایران، (نویسنده‌مسئول)؛ f.seyedan@alzahra.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، mohseni514@gmail.com.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۲/۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۵/۱۱

مقدمه و بیان مسئله

از ابتدای زندگی بشر، زن و مرد در کنار یکدیگر ایفای نقش کرده‌اند و ازآنجاکه تقریباً زنان نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند، می‌بایست در فرایند توسعه اقتصادی-اجتماعی هر جامعه نیز مورد توجه باشند (pereka, 1998). با یکجانشینی بشر و پیشرفت جوامع، به‌ویژه در بعد کشاورزی، نیاز به خروج بیش‌ازپیش مردان برای تأمین معاش احساس شد. اما همچنان، دوره‌ای که مبادله کالا با کالا صورت می‌گرفت، بین نقش زن و مرد تفاوتی احساس نمی‌شد؛ زیرا هم زن و هم مرد، در عرصه تولید کالا نقش‌آفرین بودند و کار زن در خانه، همان نقش مدیریت خانه بود و درعین‌حال به کار تولیدات کشاورزی نیز مشغول بود. (کرمی نامی وندی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۵-۱۸)

با پیشرفت جوامع، مشاغل بیرون از خانه افزایش یافت و همین امر، عرصه عمومی و عرصه خصوصی را بیش‌ازپیش تفکیک می‌کرد، اما به همان نسبت، کار زن در خانه، به‌عنوان وظیفه و یک امر بدیهی تلقی می‌شد. دراین‌بین، زنان نیز با این مسئله مشکلی نداشتند و برای رقابت با مردان، تمایلی از خود نشان نمی‌دادند. این تفاوت، زمانی احساس شد که با صنعتی شدن جوامع و درگیر شدن مردان در جنگ جهانی، حضور زنان در عرصه عمومی جامعه به‌عنوان نیروی کار، ضرورت پیدا کرد. تا پیش از این زمان، مردان در عرصه عمومی و در اجتماع و زنان در عرصه خصوصی و داخل خانه، ایفای نقش می‌کردند. در جامعه صنعتی، که خانواده افق همه چیز شمرده می‌شد، به‌تدریج این الگو جای خود را به الگوی دیگری مبتنی بر ارزش‌های خودشکوفایی، اصالت فرد و برابری زن و مرد داد. (کشاورز، ۱۳۹۷، ص۸۷)

هم‌زمان با پیشرفت جوامع، در ایران نیز در طول دو سده اخیر، به‌واسطه مدرنیته فرهنگی و اجتماعی، خانواده‌ها دچار تغییراتی شدند و به مرور زمان، که بخشی از زنان پا به عرصه عمومی گذاشتند و همانند مردان، دارای شغل شدند و از ثمره کار خویش مزد دریافت می‌کردند، تفاوت کار داخل خانه و خارج از خانه هویدا شد؛ لذا زنان متوجه شدند که نقش اشتغال در زندگی انسان، غیر قابل انکار است. (اویسی، ۱۳۸۹، ص۲۹) همین امر، رقابت میان زنان برای ورود به اجتماع و تصدی‌گری مشاغل را افزایش داد و به‌این‌ترتیب، کار زن در خارج

از منـزل، بـه ارزش تبدیـل شـد و منزلـت اجتماعـی یافـت و مابـه‌ازای آن، مـزد دریافـت می‌کـرد. در همیـن دوران بـود کـه بخشـی از زنـان خانـه‌دار، بـرای رسـاندن خـود بـه سـطح زنـان شـاغل، بیش‌ازپیـش بـه فکـر تولیـدات خانگـی افتادنـد تـا بـرای بخشـی از کارهـای خـود در خانـه، عیـار مشـخص کننـد. بـا شـروع انقـلاب اطلاعاتـی، رویکـرد جدیـدی در رشـد و توسـعه کسـب‌وکارهای خانگـی[1] پدیـد آمـد و بـرای آن دسـته از کارهـای کوچکـی کـه بـه امکانـات کافـی بـرای تولیـد در بیـرون از خانـه دسترسـی نداشـتند، مقرراتـی وضـع شـد تـا فـرد بتوانـد در منـزل به‌راحتـی بـه فعالیـت بپـردازد. (عربیـون و همـکاران، ۱۳۹۴، ص۱)

به‌این‌ترتیـب، کسـب و کارِ خانگـی، اسـم و رسـم پیـدا کـرد، تعریـف شـد و توسـعه یافـت. از آن پـس، بـرای منزلـت بخشـیدن بیشـتر بـه مشـاغل خانگـی، تدابیـر حقوقـی و اجتماعـی در نظـر گرفتـه شـد و امکانـات و قوانیـن مختلفـی بـه آن اختصـاص یافـت. امـا دراین‌بیـن، نقش‌هـای حمایتـی و مراقبتـی زنـان (نظیـر همسـری، مـادری، کارهـای خانـه، مدیریـت داخلـی خانـه، نقـش حمایت‌هـای عاطفـی و ...) همچنـان نادیـده گرفتـه شـدند و باوجـود اهمیـت ایـن گونـه کارهـا، چـون منجـر بـه تولیـد ارزش افـزوده نمی‌شـد، نادیـده گرفتـه شـدند.

بـر اسـاس آمـار سرشـماری سـال ۱۳۹۵، بـه طـور میانگیـن حـدود ۶۲.۱ درصـد از زنـان ده سـاله و بیشـتر در سـن کار، خانـه‌دار هسـتند. (www.amar.org.ir). چنیـن آمـاری، مسـئولیت قانون‌گـذاران را نسـبت بـه ایـن قشـر افزایـش می‌دهـد؛ زیـرا بـا توجـه بـه رونـد ارزش یافتـن بیـش از پیـش اشـتغال زنـان در عرصـه عمومـی، زنـان خانـه‌دار نیـز در تلاشـند بـرای یافتـن جایـگاه اجتماعـی، وارد عرصه‌هـای مختلـف شـوند. باوجـود اینکـه از برنامـه سـوم توسـعه، بـرای زنـان خانـه‌دار، برنامـه و تدابیـر اجتماعـی در نظـر گرفتـه شـده (سـعیدی، ۱۳۸۷، ص۹۷) و تدویـن قوانیـن و مقـررات بـرای حمایـت از ایـن قشـر صـورت پذیرفتـه، امـا ایـن موضـوع در سـطح کلان، تجزیه‌وتحلیـل نشـده و یـک سیاسـت‌گذاری مـدون بـرای خانـه‌داری زنـان وجـود نـدارد تـا بـر اسـاس آن بتـوان بـرای کیفیت‌بخشـی بـه مسـائل زنـان خانـه‌دار کاری انجـام داد. بـر ایـن اسـاس، چنانچـه دراین‌زمینـه تدابیـر مناسـبی اندیشـیده نشـود، آرام آرام جایـگاه و منزلـت خانـه‌داری کاهـش می‌یابـد و چنیـن

1. Home Business

اتفاقی موجب کمرنگ شدن نقش‌های مهم زنان به‌عنوان مدیر داخلی خانه، همسر، مادر، حامی، محور عاطفی خانواده و... می‌شود و احتمال تزلزل کانون خانواده افزایش می‌یابد.

وجه تمایز این پژوهش با دیگر پژوهش‌ها در این است که تاکنون پژوهشی در سطح راهبردی با چنین ویژگی‌هایی صورت نگرفته است. در واقع، پژوهش‌های پیشین با موضوع کار خانگی و خانه‌داری، بیشتر به بررسی محاسبه بخشی از ارزش‌افزوده کار خانگی (نظیر پخت‌وپز، نگهداری از فرزندان، نظافت منزل و...) پرداخته و یا با روش کمی، به بررسی میزان رضایت افراد از کار خانگی یا خانه‌داری اقدام کرده‌اند. لذا این پژوهش بر آن است با رویکرد جامعه‌شناختی- حقوقی، به تحلیل محتوای کیفی سیاست‌گذاری‌ها و قوانین موجود در حوزه خانه‌داری و زنان خانه‌دار بپردازد و جایگاه زنان خانه‌دار و خانه‌داری در سیاست‌گذاری‌ها و قوانین موجود را تبیین کند.

لازم است برای تفکیک اصطلاحاتی نظیر کسب‌وکار خانگی، کار خانگی و خانه‌داری، تعریفی از هریک ارائه شود تا وجه تمایز آنها از یکدیگر مشخص گردد. منسون[1] (۲۰۰۸) کسب‌وکار خانگی را عبارت از هر واحد کسب‌وکاری تعریف می‌کند که در فرآیندهایی همچون فروش محصولات و خدمات به بازار فعالیت دارد و توسط فرد مستقل یا با همراهی یا در غیاب تعدادی نیروی کار اداره می‌شود (عربیون و همکاران، ۱۳۹۴، ص۳). کار خانگی نیز به‌عنوان بخشی از کارهای منزل در نظر گرفته شده که باوجود اهمیت بالای آن، کاری بدون مزد به شمار می‌رود. همچنین خانه‌داری به‌عنوان بخشی از کار خانگی بدون مزد به حساب می‌آید و این در حالی است که زنان، به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور، نقش تعیین‌کننده و بیشتر پنهان در کارهای تولیدی، حمایتی و مشاغل اجتماعی دارند؛ اما همچنان فعالیت آنان در خانه، در محاسبات اقتصادی مد نظر قرار نمی‌گیرد و تنها به‌عنوان نیروی کار نامرئی محسوب می‌شوند. (ویسی، ۱۳۸۷، ص۱)

بنابراین منظور از کار خانگی در پژوهش حاضر، آن بخش از کارهای خانه است که با دارا بودن ارزش مادی و ایجاد ارزش افزوده در سطح ملی، به دلیل کارکرد پنهان بالای آن (شامل

1. Manson

کارکرد تربیتی، پرورش‌دهنده انسان، عاطفی، استحکام‌دهنده و قوام‌دهنده به خانواده، تنظیم روابط اعضای داخل خانه، دارای پاداش‌های معنوی بودن و...)، برای آن ارزش‌گذاری مادی نمی‌شود و مزدی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود. کار خانگی به سه بخش انجام کارهای خانه، همسرداری و فرزندپروری تقسیم می‌شود.

سوال اصلی پژوهش این است: «در فرایند سیاست‌گذاری‌ها و قوانین موجود، فعالیت‌های خانه‌داری زنان و کار خانه‌داری چه جایگاهی دارند؟» سوالات فرعی متناسب با آن، موارد ذیل هستند:

۱. سیاست‌گذاری‌های مرتبط با فعالیت‌های خانه‌داری زنان و زنان خانه‌دار، در سطح کلان کدامند؟

۲. قوانین مصوب مرتبط با فعالیت‌های خانه‌داری زنان و زنان خانه‌دار، در سطح میانی کدامند؟

۳. قوانین مصوب مرتبط با فعالیت‌های خانه‌داری زنان و زنان خانه‌دار، در سطح خرد کدامند؟

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه کار خانگی، آثار و پژوهش‌های داخلی زیادی اعم از رساله‌های کارشناسی ارشد، دکترا و نیز در قالب کتاب، مقاله و طرح ملی و... منتشر شده است. بااین‌حال، در حوزه بررسی قوانین، کارهای اندکی صورت گرفته است که در ادامه، به برخی از این آثار علمی اشاره می‌شود:

پژوهش «مطالعه ارزش کار خانگی» نوشته محبوبه داوودی (۱۳۹۵) انتشارات مرکز پژوهشی آرا، قائل به این است که در ایران، زنان جز انجام کارِ خانه چاره‌ای ندارند و حتی زنان شاغل نیز انجام کارِ خانه را وظیفه خود می‌دانند. وی سپس ارزش کار خانگی زنان و کار خانه‌داری را از ابعاد مختلف بررسی کرده و جایگاه اجرت‌المثل و نفقه را عنوان می‌کند.

مقاله «بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی

ایران» به قلم سید حسن حسینی و مینا عزیزی (۱۳۹۵)، منتشرشده در نشریه مطالعات زن و خانواده دوره چهارم، شماره یک به بررسی قوانین خانواده و ازدواج از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۱ پرداخته است. نتیجه پژوهش این بود که غلبه رویکرد اقتصادمحور بر عملکرد دولت باعث شده است سیاست‌های دولت با حفظ الگوهای سنتی خانواده همبسته باشد و سیاست‌های حقوقی، حاکی از به رسمیت شناختن تدریجی تحولات خانواده است. همچنین به وجود آمدن چالش‌های حقوقی بین واقعیت‌های اجتماعی و الگوهای حفظ اشکال سنتی خانواده، نشان از ناکارآمدی برخی از قوانین و عدم تناسب آنها با این واقعیت‌ها است.

مقاله «بررسی تعارض نقش‌های خانوادگی و اجتماعی بانوان و ارائه الگوی مناسب برای زندگی خانوادگی زنان شاغل» نوشته محمدتقی کرمی و فیروزه کرمی (۱۳۹۳) منتشرشده در نشریه مطالعات راهبردی زنان. دوره ۱۶. شماره ۶۴، بیان می‌دارد با در نظر گرفتن اینکه جامعه به سویی می‌رود که زنان علاوه بر نقش‌های خانه، به سمت اشتغال بیرون از خانه روی آورده‌اند، ممکن است این مسئله، موجب تعارض نقش‌های زنان شود. لذا نویسندگان به نظریه‌ای دینی مبتنی بر متون و نصوص رسیده‌اند که به‌عنوان الگوی عمل زندگی خانوادگی و شغلی زنان، مورد استفاده قرار گیرد.

مقاله «بررسی عوامل جامعه‌شناختی رضایتمندی زنان از خانه‌داری» نگاشته اعظم بدری‌منش و سهیلا صادقی فسایی (۱۳۹۳) منتشرشده در فصلنامه پژوهشی زن و جامعه، سال ۵، شماره ۱ به بررسی میزان رضایت زنان شاغل و خانه‌دار تهران از خانه‌داری بر اساس نظریه مازلو پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که زنان، کارِ خانه را یک کار واقعی تلقی می‌کنند و توقع دارند بتواند نیازهای سطح یک آنها را که در خصوص رضایت شغلی مطرح است، فراهم آورد. همچنین انتظار دارند این کار، با ایجاد ارتباط با دیگران، آنها را از تنهایی خارج کند و نتیجه کارشان را در اختیار همسرشان قرار دهند و نیازهای سطح سوم آنها، یعنی رشد و شکوفایی استعدادشان را برطرف کند.

مقاله «اقتصاد غیررسمی، خانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن» از علی اصغر اسفندیاری، مهدی پدرام و صادق مجدم (۱۳۹۲) منتشرشده در نشریه مطالعات اختصاصی روان‌شناسی

زنـان، سـال ۱۱، شـماره ۴ بـه بررسـی نحـوه محاسـبه ارزش‌افـزوده کارِ خانـه‌داری زنـان متأهـل خانـه‌دار و شـاغل اهـواز، همچنیـن تبییـن اقتصـاد غیررسـمی خانـوار آنهـا می‌پردازنـد کـه نتایـج حاصـل آن، نشـانگر ارزش آن بـه میـزان ۲۹۱۸۳۷۲۴۱۴ (حـدود سـه میلیـارد) تومـان در سـال بـود کـه ایـن مبلـغ بـه ازای هـر زن، معـادل ۷۵۹۹۹۲۸ تومـان در سـال اسـت. یعنـی هـر زن، بـه طـور متوسـط، مبلغی معـادل ۷ میلیـون و ۶۰۰ هـزار تومـان در سـال (سـال ۱۳۹۲)، بـه اقتصـاد ملـی کشـور کمـک می‌کنـد کـه بنـا بـه رقمـی کـه مرکـز آمـار ایـران در سـال ۱۳۹۰ از ارزش‌افـزوده کار خانگـی اعـلام کـرده اسـت، ارزش‌افـزوده ایـن کار، ۳۰ تـا ۴۰ درصـد بـوده اسـت.

کتـاب «ارزش کار خانگـی زن»، نوشـته نسـرین جزنـی (۱۳۸۳)، انتشـارات سـوره مهـر تهـران بـه اهمیـت و جایـگاه ارزش کار خانگـی زنـان خانـه‌دار پرداختـه اسـت. ایـن کتـاب، کامل‌تریـن کتـاب کار علمـی اسـت کـه در راسـتای کار خانگـی در ایـران صـورت گرفتـه اسـت. مهم‌تریـن هـدف ایـن پژوهـش، یافتـن راهکارهایـی بـرای ارزش‌گـذاری کار خانگـی و برآورد میـزان ارزش‌افـزوده آن اسـت. ایـن نویسـنده همچنیـن مقالـه‌ای بـا عنـوان «کار خانگـی؛ ارزش کار خانگـی زنـان» را در همیـن زمینـه، در سـال ۱۳۸۲ نوشـته اسـت.

در خصـوص کار خانگـی، پژوهش‌هـای خارجـی نیـز از دهـه ۱۹۶۰ بـه بعـد در جهـان صـورت گرفتـه اسـت کـه بـه برخـی از آنـان اشـاره می‌شـود:

مقالـه «رشـد برابـری جنسـیتی، در ایـالات متحـده آمریـکا، کنـد یـا متوقـف شـده اسـت» بـه بررسـی و تحلیـل میـزان شـکاف زن و مـرد در شـاخص برابـری جنسـیتی پرداختـه و شـاخص‌های مختلـف جنسـیتی نظیـر: اشـتغال، حقـوق، تحصیـلات، تفکیـک جنسـیتی رشـته‌های تحصیلـی، تفکیـک جنسـیت شـغلی و درآمـد سـاعتی و درآمـد سـالیانه از سـال ۱۹۷۰ تـا ۲۰۱۸م را مـد نظـر قـرار داده اسـت. (انـگلان و لویـن، ۲۰۲۰)

همچنیـن میرانـدا[1] در سال‌هـای ۱۹۹۸ تـا ۲۰۰۹م بـه ایـن بررسـی مبـادرت ورزیـد. وی بـه مقایسـه میـزان کارهـای مراقبتـی زنـان و مـردان شـاغل و غیرشـاغل در کشـورهای عضـو OECD پرداخـت و بـه ایـن نتیجـه رسـید کـه اشـتغال، سـهم بسـزایی در اختصـاص سـاعات کار در خانـه دارد. (میرنـدا، ۲۰۱۱).

1. Miranda

مقاله «چه کسی کارهای خانه را انجام می‌دهد؟» نیز ۹۱۰ گزارش از سال ۲۰۱۲م به بعد در آمریکا را بررسی کرده است. نتایج نشان داد تقسیم جنسیتی کار در کارهای خانه در این دوره، برابرتر شده است و مردان نسبت به گذشته، بیشتر وقت خود را برای انجام کارهای خانه اختصاص می‌دهند و زنان وقت خود را در این فعالیت‌ها به طرز چشمگیری کاهش داده‌اند. (کوک و باکستر، ۲۰۱۰)

گرینستین[1] (۲۰۰۶) و فریسکو[2] (۲۰۰۳) نیز طی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند: زنانی که تقسیم کار خانگی را ناعادلانه ارزیابی می‌کنند زنانی هستند که تمام کارهای خانه را خود انجام می‌دهند و تعداد مردانی که بیش از سهم خود در کار خانگی مشارکت می‌کنند، کم است.

۲. مبانی نظری پژوهش

دورکیم در کتاب «تقسیم کار اجتماعی» خود ضمن اذعان به اینکه تقسیم کار، موجب همبستگی میان افراد می‌شود، تقسیم کار جنسیتی را باعث همبستگی زن و شوهر و تعمیم آن را موجب گسترش این همبستگی می‌داند. وی می‌گوید زندگی زنان با زندگی مردان متفاوت است؛ زیرا زنان، بیشتر وظایفشان در حوزه عاطفی قرار دارد و مردان در حوزه عقلانی (جمیلی کهنه‌شهری، ۱۳۷۶) ازنظر پارسونز، مردان به‌عنوان پیونددهندگان خانواده با اجتماع می‌باشند که معمولاً کارهای بیرون از منزل و تأمین خواسته‌های خانواده را به عهده دارد و از طرف دیگر زنان وظیفه‌شان اداره امور داخلی خانواده است و به تربیت کودکان و همچنین مراقبت و رسیدگی به مردان را به عهده‌دارند و کارهای خانه را انجام می‌دهند (بستان، ۱۳۹۰،ص ۵۰). مارگارت بنستون[3] قائل به این است که کار خانگی زنان نباید نادیده گرفته شود؛ چراکه موجب می‌شود زنان تحت استثمار قرار گیرند. وی در کتاب «اقتصاد سیاسی زنان» آورده است که در تحلیل کارهای اقتصادی، کار زنان باید به‌صورت جدی در نظر گرفته شود و نباید

1. Greenstein, T. N.
2. Frisco, M. L & Williams, K.
3. Margaret Benston

حاشیه تلقی شود؛ زیرا کار خانگی زنان، هم کاری تولیدی به حساب می‌آید و هم یکی از حوزه‌های بهره‌کشی از زنان و هم منبعی برای انباشت سرمایه تلقی می‌شود.

مبارزه برای «دستمزد خانه داری» از اوایل دهه ۱۹۷۰م در ایتالیا شروع شد و به‌تدریج به اروپا و بریتانیا و کانادا رسید. این مبارزه برای اختصاص پیدا کردن دستمزد به کار خانگی صورت گرفت تا ارزش زنان، به جایگاه اولیه‌شان بازگردد. از جمله این افراد، علاوه بر بنستون، ماریارزا دالاکوستا[1] و سلما جیمز[2] می‌باشند که برای بار اول، درخواست پرداخت مزد برای کار خانگی، توسط این دو فمینیسم صورت گرفت. از دیدگاه این دو فمینیست مارکسیست، کار خانگی زنان، تولید ارزش اضافی می‌کند و کار مولد به حساب می‌آید و کار زنان، شرط لازم برای انجام هر کاری است. به نظر این دو فمینیست، پرداخت دستمزد به زنان خانه‌دار، وظیفه مردان نیست؛ بلکه دولت و حکومت باید این وظیفه را تقبل کند. البته از نظر آنها لازم نیست این مزد به‌صورت پول پرداخت شود؛ بلکه می‌تواند به‌صورت کمک به مادران مستمری‌بگیر که در خانه هستند، پرداخت شود و یا به شکل کمک برای نگهداری کودک برای مادرانی که نیاز به کمک دارند هزینه گردد. (تانگ، ۱۳۹۶، ص۹۵-۹۶)

با توجه به اینکه این پژوهش، فرانظری است و در آن، پایبندی به نظریه خاصی الزام‌آور نیست، اما می‌توان مدلی مفهومی ارائه داد که رویکرد جامعه‌شناختی آن، تلفیقی از چندین نظریه با غلبه بر نظریه نقش‌های ابزاری و ابرازی پارسونز، نظریه کارکردگرایی دورکیم، نظریه تقسیم کار دورکیم، نظریه دستمزد خانه‌داری ماریارزا دالاکوستا و سلما جیمز، نظریه لیزا وگل[3] در خصوص نقش تولیدکنندگی زن نسبت به مصرف‌کننده بودن او است و به فراخور، بخش‌هایی از نظریه‌های دیگر نیز مد نظر قرار گرفته است.

1. Mariarosa Dalla Cośta
2. Selma James
3. Lisa Vogel

۳. روش پژوهش

روش تحلیل محتوای کیفی از نظام فلسفی تفسیری (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵، ص۶۴) و ازجمله ویژگی‌های آن، نظریه‌پردازی به‌جای آزمون نظریه و فرضیه است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص۱۷۲). ازآنجاکه روش تحلیل محتوای کیفی، جزئی‌تر و دقیق‌تر از روش اسنادی، به بررسی موارد می‌پردازد، لذا در این پژوهش، برای بررسی قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی تلخیصی استفاده شده است. تحلیل محتوا، از جمله روش‌های مشاهده اسنادی است که با این روش می‌توان سندها، متن‌ها، مدرک‌ها و به عبارتی هر نوع مطلب ضبط‌شده و سند ثبت‌شده مربوط به هر دوره را تحلیل و ارزیابی کرد (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵، ص۵۸). نمونه‌گیری در روش کیفی، معمولاً شامل نمونه‌گیری‌هایی همچون: هدفمند، گلوله برفی، نظری و در دسترس است. (مومنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲، ص۲۰۱-۲۰۲)

در پژوهش حاضر، برای دستیابی به قوانین و ماده‌های قانونی مرتبط با کار خانگی، به‌صورت هدفمند، قوانین، اسناد و متون قانون، بررسی شدند. برای به دست آوردن جامعه آماری مورد مطالعه، چند مسیر ارزیابی گردید:

الف) مراجعه به استادان دارای حوزه مطالعاتی سیاست‌گذاری، جامعه‌شناسی و حقوق؛

ب) بررسی متون (اعم از کتاب، مقاله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رساله دکتری و طرح‌های پژوهشی) دارای کلیدواژه‌های اصلی در حوزه سیاست‌گذاری‌های اجتماعی کار خانگی؛

ج) مراجعه به تارنماهای اینترنتی و پایگاه‌های علمی و جستجوی کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع؛

د) مراجعه به قانون مدنی و قوانین موجود و جستجوی کلیدواژه‌های مرتبط با پژوهش و استخراج ماده‌های قانونی، مقاوله‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و... و استخراج ماده‌های قانونی مرتبط با موضوع؛

هـ) با توجه به اینکه قانون، متنی مکتوب است و اجرای آن توسط نهادها و سازمان‌های مسئول، مشخص نبود، برای تحلیل بهتر یافته‌ها، به‌صورت تصادفی با چند نفر از افراد مددجو یا کارمند بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی مصاحبه‌هایی صورت گرفت که تجربه

زیسته و اطلاعاتشان به بهتر شناخته شدن موضوع کمک کرد. این افراد، شناخت پژوهشگران را با واقعیت‌های اجراشده در عرصه عمل بیشتر کرد.

جمع‌آوری یافته‌ها نیز دربرگیرنده مجموعه‌ای از فعالیت‌های مربوط به هم به‌منظور گردآوری اطلاعات مناسب برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش است. برای بررسی و تحلیل قوانین مصوب در قوانین ایران، مواردی همچون: قوانین بالادستی (قانون اساسی، قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی و...) و عادی، اسناد، منشورها، آیین‌نامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با زن و خانواده، ارزیابی می‌شوند. برای این منظور، سه لایه از قوانین به‌صورت کامل بررسی شدند. این لایه‌ها شامل:

الف) قانون اساسی (لایه قانون پایه و مادر) و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با خانواده و زنان که در طول سال‌های بعد از انقلاب تا تیر ماه ۱۴۰۰ تصویب شده‌اند.

ب) برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و سند چشم‌انداز بیست‌ساله، به‌عنوان لایه میانی قوانین، که مسئولان برای اجرای بهتر سیاست‌گذاری‌ها، آنها را به برنامه‌های میان مدت پنج‌ساله تبدیل کردند.

ج) قوانین و برنامه‌های بودجه سالانه، که هر سال توسط دولت تصویب شده و نحوه اختصاص بودجه و چگونگی مصرف آن تعیین می‌شود و قانون برنامه‌های بودجه‌های بیست سال از ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ را دربرمی‌گیرد.

پس از جمع‌آوری مواد قانونی، این قوانین در جدول قرار گرفته و ضمن مطالعه دقیق و جزئی موارد احصاءشده، کدهای مرتبط با خانه‌داری، خانواده، کار خانگی و زنان، از متن قانون‌ها استخراج شد. مرحله کدگذاری، مرحله‌ای فعال و پویا و رفت و برگشتی است و پژوهشگر به‌صورت کاملاً جزئی و خط به خط، مطالب را خوانده و سپس آنها را به کوچک‌ترین واحد معنادار تقسیم می‌کند (استراوس و کربین، ۱۳۹۱، ص۱۲۳). در این مرحله، طی چندین رفت و برگشت محتوایی و مطالعه چندباره قوانین، کدهای به‌دست‌آمده رمزگذاری گردیده و پس از حذف جملات و عبارات اضافه، کدهای معنادار، منطبق بر متن قوانین، استخراج شد. سپس کدهای به‌دست‌آمده، در روند مطالعه چندباره، مفهومی‌تر شده و خرده‌مقوله‌ها

(خرده‌مقیاس‌ها) از آن استخراج گردید. در مرحله بعد، این خرده‌مقوله‌ها دسته‌بندی شدند تا بتوان از آنها، مقوله‌ها را استخراج کرد. مرحله پایانی فرایند رمزگذاری، دستیابی به تم‌ها (مفاهیم یا مقیاس‌ها) بود که از دسته‌بندی مقوله‌های احصاءشده در مرحله قبل به دست آمدند. نمونه‌ای از جدول بررسی قوانین، در شکل ذیل ارائه شده است.

جدول (۱): نمونه جدول بررسی فرایند رمزگذاری

تم	مقوله	مقوله فرعی	کد	متن قانونی	منبع	توضیحات
بیمه زنان خانه‌دار	تحکیم خانواده پوشش بیمه درمانی بیمه زنان خانه‌دار متأهل	ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار دارای سه فرزند به بالا	تحکیم خانواده، ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار دارای حداقل سه فرزند	ماده ۱۰۳ ب. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است در راستای سیاست‌های تحکیم خانواده، ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، بررسی طرح لازم برای ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار دارای حداقل سه فرزند را فراهم و جهت تصمیم‌گیری قانونی ارائه نماید.	قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰-۱۳۹۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۵	از معدود ماده‌های قانونی که به‌صراحت در خصوص زنان خانه‌دار ارائه شده است، بند ب ماده ۱۰۳ قانون ششم توسعه است که علی‌رغم گذشت حدود ٦ سال از این قانون، همچنان عملکرد خاصی مشاهده نشده است.

پس از این مرحله، نوبت به تحلیل یافته‌های پژوهش رسید که در قالب کد، مقوله‌های فرعی، مقوله و تم، استخراج شده بودند و با توجه به دسته‌بندی‌های صورت‌گرفته و کنار هم قرار دادن این یافته در سه لایه کلان، متوسط و خرد، تم‌ها و مفاهیم تحلیل شدند.

۴. تحلیل یافته‌ها

ازآنجاکه مفاهیم استخراج‌شده باید دارای کمترین تفاوت معنایی و محتوایی با قوانین باشند، تلاش شد حتی‌الامکان واژه‌ها و عبارت‌های استفاده‌شده در قانون، به‌عنوان تم،

مقوله، مقوله‌های فرعی و کد، مد نظر قرار گرفته شود. بر این اساس، کلیه مواد قانونی، مصوبات، سیاست‌گذاری‌ها و مواردی که بررسی شدند، به شرح ذیل می‌باشند:

برای بررسی لایه اول: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی برنامه اول تا ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری، سیاست‌های کلی خانواده، سیاست‌های کلی جمعیت، سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران.

برای بررسی لایه دوم: قانون برنامه اول تا ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴.

برای بررسی لایه سوم: قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی مصوب سال ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی، سند حقوق و مسئولیت‌های زنان، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۸۳، قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب سال ۱۳۷۱، قانون مدنی مصوب ۸ آبان ۱۳۱۴، منشور حقوق شهروندی، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱ اردیبهشت ۱۳۹۲، اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۴ محرم سال ۱۴۱۱ هجری قمری، کنوانسیون حقوق بشر، برنامه بودجه سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰.

در ادامه، نمونه‌ای از مواد قانونی و سیاست‌گذاری‌ها در موضوع زنان خانه‌دار و خانه‌داری ذکر می‌شود:

۴،۱. سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۷۱

در ماده ۱۲ این سند می‌خوانیم:

«فرصت‌های شغلی مناسب برای مادران خانه‌دار در محیط خانه و در کنار فرزندان، بدون محدودیت وقت و با منظور کردن مزد، در قبال کار و تسهیلات تعاونی ایجاد شود». (سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۷۱).

در این ماده، به‌روشنی آورده شده است که در خصوص ایجاد فرصت‌های شغلی مادران، تدابیر خاص در نظر گرفته شود تا مادران، به‌ویژه مادرانی که دارای فرزندان کوچک هستند،

در کنار شغل خود، با دغدغه کمتری به تربیت فرزند بپردازند که این موضوع، اکنون به فراموشی سپرده شده است. در این بند، ایجاد فرصت شغلی با مزد در کنار خانه داری برای زنان در نظر گرفته شده است که اگرچه همین امر موجب می‌شود زنان با خیال آسوده‌تری به هر دو کار بپردازند، اما برای خانه داری زن تدبیری در نظر گرفته نشده است.

۴،۲. سیاست‌ها و راهبردهای ارتقاء سلامت زنان، مصوب ۸ آبان ۱۳۸۶

بند آخر آن، بدین شرح است:

«افزایش آگاهی جامعه از نقش و تأثیر شغل خانه داری در سلامت و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و حمایت از آن توسط وزارت کار و امور اجتماعی و قوه قضاییه».

(سیاست‌ها و راهبردهای ارتقاء سلامت زنان در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۸۶)

با توجه به این بند، مشاهده می‌شود که از جمله سیاست‌گذاری‌های اجتماعی این است که جامعه با شغل خانه داری آشنا شود و همان گونه که در این بند آمده، خانه داری به مثابه شغل در نظر گرفته شده است که علاوه بر حفظ کانون خانواده و موارد بسیار زیاد دیگر، در ارتقای سلامت و پیشرفت اقتصادی نیز کارکرد دارد و وزارت کار و امور اجتماعی و همچنین قوه قضاییه باید حمایت‌های لازم در این عرصه را مبذول دارند. اما آنچه ملاحظه می‌شود آن است که شغل محسوب کردنِ خانه داری، تنها در قالب سیاست‌گذاری دیده می‌شود و در عمل، از سال ۱۳۸۶ که این سیاست‌گذاری اتخاذ شده، هیچ اقدامی از جانب مسئولان امر برای آن در نظر گرفته نشده است؛ به گونه‌ای که حتی در قانون حمایت از خانواده و نیز آراء قضایی و... نیز از جمله مواردی که به زوجه امکان بهره‌گیری از اجرت‌المثل ایام زوجیت را می‌دهد، اعلام عدم تبرعی بودن کارهای خانگی از جانب زوجه است.

۴،۳. سیاست‌های کلی و قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران

در بند ب ماده ۱۰۳ آمده است:

«وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است در راستای سیاست‌های تحکیم خانواده،

ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، بررسی طرح لازم برای ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار حداقل دارای سه فرزند را فراهم و جهت تصمیم‌گیری قانونی ارائه نماید». (سیاست‌های کلی و قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران).

از معدود ماده‌های قانونی که به‌صراحت در خصوص زنان خانه‌دار ارائه شده است، بند ب ماده ۱۰۳ قانون ششم توسعه است که عملکرد خاصی در این برنامه نیز مشاهده نشده است. عدم وجود ضمانت اجرا دراین زمینه نیز موجب شده است علی‌رغم تاکید در این ماده، مبنی بر اجرایی شدن آن طی شش ماه پس از تصویب، این ماده نیز مانند بسیاری از مصوبات قانونی، در همین سطح باقی بماند.

۴،۴. نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب سال ۱۳۹۲

تنها مورد از موارد بسیاری که در حوزه زنان، به موضوع خانه داری پرداخته است، بندهای ۱۳ تا ۱۸ این مصوبه است که از اقدامات ملی است. از جمله:

«احتساب خانه داری به‌عنوان شغل و کمک به بیمه بازنشستگی زنان متأهل خانه دار با پرداخت بخشی از حق بیمه توسط دولت متناسب با درآمد خانواده». (نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب ۱۳۹۲).

در این بند نیز خانه داری به‌عنوان شغل در نظر گرفته شده است و قاعدتاً باید برای این شغل، تسهیلاتی در نظر گرفته می‌شد. مورد دیگر این بند، بیمه زنان متأهل خانه‌دار است و همان طور که در بند فوق آمده است زنان خانه‌دار می‌بایست مابه‌ازای پرداخت هزینه، بیمه شوند و در این بند، از دولت خواسته است متناسب با شرایط خانواده، بخشی از بیمه زنان خانه‌دار کم شود. این در حالی است که زن خانه‌دار، درآمد مستقلی ندارد و معمولاً شرایط به گونه‌ای است که پرداخت حق بیمه ماهیانه، برای این قشر مشکل است؛ زیرا باید از درآمد خانواده در این امر مصرف شود. به همین جهت، بسیاری از خانواده‌ها، اقدام به تحت پوشش بیمه قرار گرفتن نمی‌کنند.

پس از بیان نمونه های فوق، تم‌های به‌دست‌آمده از این مصوبات و سیاست‌گذاری‌ها،

شامل مواردی همچون: بیمه زنان خانه‌دار، توانمندسازی اقتصادی زنان، حمایت از خانه‌داری زنان، خانه‌داری به مثابه شغل و ایجاد تسهیلات برای زنان خانه‌دار است که نتایج حاصل از آن، به شکل ذیل قابل طرح است:

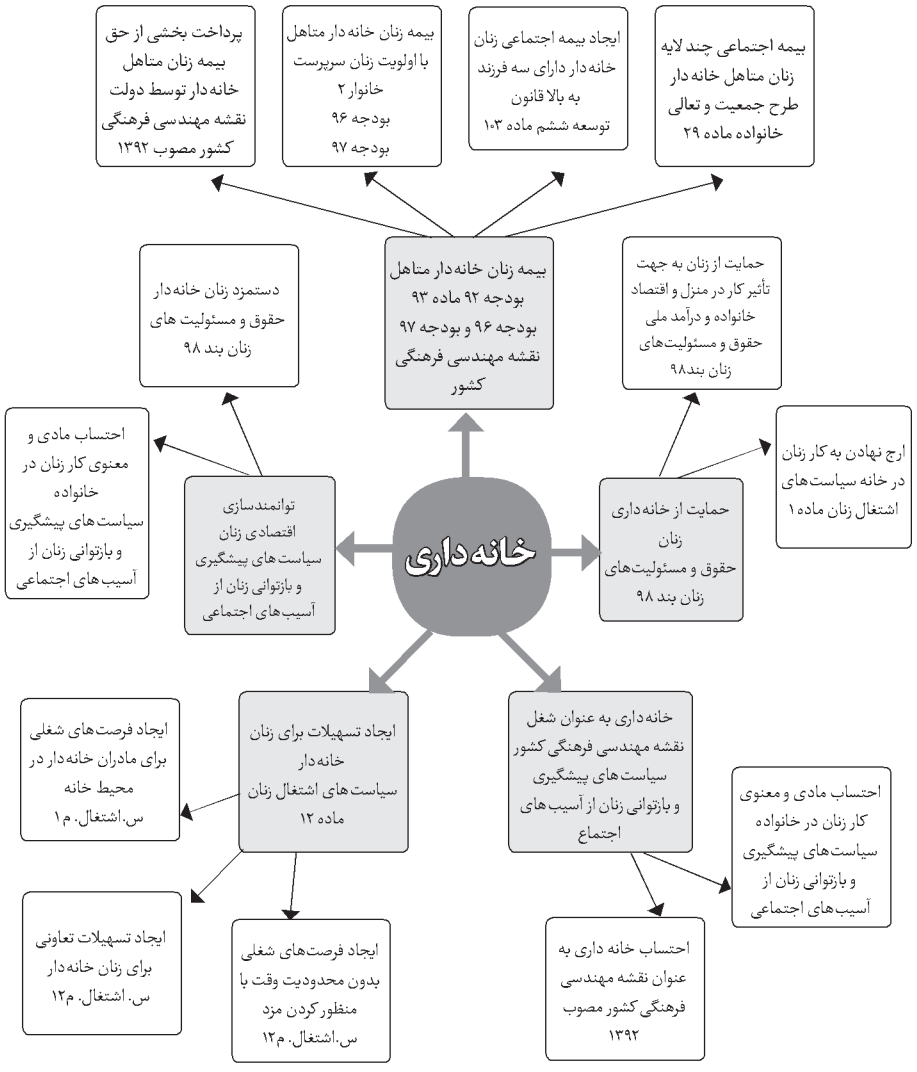

نمودار (۱): نمودار مربوط به تم‌ها و مقوله‌های به‌دست‌آمده از فعالیت‌های خانه‌داری

چنانچه این مصوبات را در لایه‌های سه‌گانه کلان، میانی و خرد قرار دهیم، به شکل قابل ارائه است:



نمودار (۲): نمودار مربوط به تم‌ها و مقوله‌های به‌دست‌آمده از خانه‌داری در لایه‌های سه‌گانه کلان، میانی و خرد

با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده، پاسخ سوال‌های اصلی و فرعی، به شرح ذیل است:

برای پاسخ به سوال اول فرعی: «سیاست‌گذاری‌های مرتبط با فعالیت‌های خانه‌داری زنان و زنان خانه‌دار، در سطح کلان کدامند؟» مشاهده شد که در قانون اساسی، در خصوص خانه‌داری و کار خانگی زنان، چیزی نیامده است، اما در سه سیاست‌گذاری (سیاست‌های خانواده، سیاست‌های اشتغال زنان و سیاست‌های پیشگیری و بازتوانی زنان از آسیب‌های

اجتماعی)، به خانه‌داری زنان اشاره گردیده و بر ارج نهادن به کار زنان در خانه، ایجاد تسهیلات برای زنان خانه‌دار، ایجاد فرصت‌های شغلی برای مادران خانه‌دار در محیط خانه، ایجاد فرصت‌های شغلی بدون محدودیت وقت و با منظور کردن مزد، ایجاد تسهیلات تعاونی برای زنان خانه‌دار، توانمندسازی اقتصادی زنان و احتساب مادی و معنوی کار زنان در خانواده تاکید شده است. مواردی که بیان شد به‌صراحت در خصوص خانه‌داری و کار خانگی زنان در سیاست‌گذاری‌های کنونی وجود دارند و همان گونه که در نمودار (۲) مشاهده می‌شود، این لایه، پرحجم‌ترین لایه بوده و نشان از آن دارد که قوانین حوزه خانه‌داری و کار خانگی زنان، در سطح سیاست‌گذاری باقی مانده است و در لایه‌های بعدی، قوانینی با این موضوع، بسیار کم دیده می‌شود.

برای پاسخ به سوال دوم فرعی: «قوانین مصوب مرتبط با فعالیت‌های خانه‌داری زنان و زنان خانه‌دار، در سطح میانی کدامند؟»، موارد احصاشده در لایه دوم دسته‌بندی، یعنی سند چشم‌انداز بیست‌ساله و شش برنامه توسعه نیز توجه به بیمه زنان خانه‌دار متاهل و ایجاد بیمه اجتماعی زنان دارای سه فرزند به بالاآمده که مخصوص زنان خانه‌دار است. این مورد، تنها در برنامه پنج‌ساله توسعه ششم آمده و در برنامه‌های توسعه پیشین، نامی از زنان خانه‌دار برده نشده و برای این قشر، تدابیر خاصی مد نظر قرار نگرفته است.

برای پاسخ سوال سوم فرعی: «قوانین مصوب مرتبط با فعالیت‌های خانه‌داری زنان و زنان خانه‌دار، در سطح خرد کدامند؟»، یافته‌ها حاکی از آن است که در لایه سوم نیز توجه به بیمه زنان خانه‌دار متاهل در برنامه بودجه ۳ سال، بیمه زنان خانه‌دار متاهل با اولویت زنان سرپرست خانوار در دو برنامه بودجه، بیمه اجتماعی چندلایه زنان متاهل خانه‌دار، حمایت از زنان به جهت تأثیر کار در منزل و اقتصاد خانواده و درآمد ملی، دستمزد زنان خانه‌دار و حق دریافت دستمزد از همسر در برابر انجام امور خانه‌داری در صورت تقاضای زن، مطرح شده است.

در خصوص ضمانت اجرای مصوبات حوزه خانه‌داری باید اذعان داشت که خلأ وجود ضمانت اجرای مناسب در این بخش موجب شده است که از میان قوانین بسیار زیاد زنان،

همین چند مصوبه، در موضوع زنان خانه‌دار نیز در مرحله اجرا، با کندی و یا اِعمال سلیقه‌ای مواجه شوند. تنها ضمانت اجرای انجام کارهای خانه توسط زنان نیز در خصوص اجرت‌المثل ایام زوجیت و نحوه دریافت آن است که در آن، اگر مردی اجرت‌المثل زوجه‌اش را در صورت مطالبه صحیح زوجه پرداخت نکند، زوجه می‌تواند حکم جلب زوج را بگیرد. این ضمانت اجرا نیز برای کلیه زنان متاهل است و امتیازی برای زنان خانه‌دار قائل نشده است و تنها شاید در مواردی به دلیل حضور کمتر زنان شاغل در خانه، اجرت‌المثل کمتری برای شاغلین در نظر گرفته می‌شود. از طرفی این ضمانت اجرا، در راستای تحکیم خانواده نیست.

ضمانت اجرای دیگر برای زوجه اینکه طبق ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده، مادامی که زوج، حقوق مالی زوجه را نپردازد، نمی‌تواند زوجه را طلاق دهد؛ یعنی تا وقتی زوج تمام بدهی مالی خود به همسرش را تأدیه نکند، دادگاه حکم طلاق را صادر نمی‌کند و این می‌رساند که قانون‌گذار با این پیش‌فرض، دریافت اجرت‌المثل را در نظر گرفته است که زندگی مشترک، رو به اضمحلال است.

نکته بعد نیز در نظر گرفتن مبلغ بسیار پایین توسط قضات برای زوجه است؛ به طوری که در سال ۱۴۰۰، حدود ۲ میلیون تومان در سال تخمین زده شده است؛ یعنی کمتر از ۱۷۰ هزار تومان در ماه و این در حالی است که کار زوجه در خانه، طبق پژوهش‌های صورت‌گرفته، چند میلیون تومان در ماه برآورد شده است.

در خصوص آراء وحدت رویه، نظریه مشورتی و رویه قضایی در حوزه مورد بحث نیز لازم به توضیح است که برای اجرت‌المثل و شرایط دریافت آن، ماده قانونی وجود دارد و قانون‌گذار سکوت نکرده است؛ لذا کلیتِ آن، نیاز به رأی وحدت رویه یا رویه قضایی ندارد. ولی ازآنجاکه درباره بخشی از آن، نظر اختلافی وجود دارد، به آن موارد اشاره می‌شود.

در دو مورد، قانون‌گذار برای اجرت‌المثل تعیین تکلیف کرده است که این موارد، مختص زنان خانه‌دار نیست و همه زنان متأهل را دربرمی‌گیرد. بر اساس تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی:

«چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار، اجرت‌المثل

باشد، به دستور زوج و با عدم تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل انجام‌گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌دهد».

در این تبصره، شرط تبرعی نبودن کار زوجه در منزل قید شده است؛ یعنی زوجه فقط چنانچه کار را بدون قصد تبرع انجام داده باشد، مستحق دریافت اجرت‌المثل می‌شود و برای اثبات این امر، با توجه به اینکه قصد و نیت باطنی، شخصی است، قاضی در این موارد به موجب سیاق ماده ۲۶۵ قانون مدنی، اصل را بر عدم تبرع دانسته و قول زوجه را مسموع و پذیرفته می‌داند و از زوجه سوال می‌کند که آیا کارهای خانه را به قصد تبرع انجام داده است یا خیر و پاسخ زوجه در این امر پذیرفته است. البته این در حالی است که در عرف جامعه ایران، انجام کارهای خانه توسط زوجه معمولاً تبرعی در نظر گرفته می‌شود، مگر اینکه زوجه اعتراف به تبرعی بودن نداشته باشد. از دیگر شرایط دریافت نفقه توسط زوجه، کارهای انجام‌شده خانه است که در حیطه وظایف او نباشد و آن کارها به دستور زوج بوده باشد.

همچنین در ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده آمده است که:

«دادگاه در ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه، اطفال و حمل را معین و همچنین اجرت‌المثل ایام زوجیت طرفین مطابق تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی تعیین و در مورد چگونگی حضانت و نگهداری اطفال و نحوه پرداخت هزینه‌های حضانت و نگهداری، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند...».

بنابراین، طبق آنچه در حکم دادگاه‌ها مشاهده می‌شود، رویه قضایی به این صورت است که زوجه در صورتی می‌تواند اقدام به دریافت اجرت‌المثل کند که کارهای خانه را بدون قصد تبرع انجام داده باشد و در این موارد نیز قول زوجه مبنی بر تبرعی بودن یا نبودنِ انجامِ کارهای خانه، پذیرفته است.

نظریه مشورتی که در این حوزه وجود دارد، نظریه مشورتی ۷/۹۳/۲۳۷۳ مورخه ۱۳۹۳/۰۹/۲۹ است که سوال شده است: آیا مطالبه اجرت‌المثل از جانب زوجه، مستلزم درخواست طلاق از جانب زوج است؟ و در پاسخ آمده است:

«زوجه می‌تواند مستقلاً و بدون اینکه تقاضای طلاق کرده باشد، مستنداً به تبصره الحاقی

در سال ۱۳۸۵ به ماده ۳۳ قانون مدنی و بنده ۷ ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، با تقدیم دادخواست به دادگاه خانواده، اجرت‌المثل خود را مطالبه کند». بنابراین اگر زوجه برای کارهای خانه، شرط ضمن عقد داشته باشد، نوبت به اجرت‌المثل نمی‌رسد.

از جمع آراء وحدت رویه در این خصوص نیز قابلیت جمع اجرت‌المثل کارهای انجام‌شده در منزل توسط زوجه و مطالبه همزمان این دو است که در گذشته، اختلافاتی برای جمع این دو وجود داشت و امکان مطالبه همزمان اجرت‌المثل و شرط تملک اموال مرد تا نصف دارایی وجود نداشت و زوجه در مقام مطالبه ناگزیر باید یکی از آن دو را انتخاب می‌کرد تا زمانی که رأی وحدت رویه ۷۷۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۵ تکلیف موضوع را روشن کرد و اعلام داشت که تعیین اجرت‌المثل کارهای زوجه از سوی دادگاه، او را از حقوق استحقاقی ناشی از تنصیف دارایی محروم نمی‌سازد و این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، در موارد مشابه، برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن، لازم‌الاتباع است.

لازم به توضیح است که در گذشته مبنا بر این بود که زوجه هنگام طلاق می‌توانست مطالبه اجرت‌المثل کند، اما در زمان حاضر، ملازمه‌ای بین این دو وجود ندارد و زوجه هر زمان بخواهد می‌تواند اقدام کند. در خصوص نظریه‌های مشورتی و همین طور رویه قضایی اجرت‌المثل، موارد زیادی بیان شده است، اما ازآنجاکه مختص زنان خانه‌دار نیستند، برای جلوگیری از اطاله کلام، به همین موارد بسنده می‌شود.[1]

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل در حوزه بررسی قوانین کشور در سه سطح کلان، میانی و خرد در خصوص فعالیت‌های خانه‌داری زنان و خانه‌داری که در راستای پاسخگویی به سوال اصلی پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت به‌صورت ذیل است:

۱. از جمله نظریه‌های مشورتی موجود:
نظریه‌های مشورتی شماره ۳۲۹۲/۹۵/۷ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۸؛ ۱۳۳۰/۹/۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۵؛ ۳۶۴/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۱؛ ۱۶۸/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۸؛ ۱۷۷/۹۸/۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۲۹ و... و حکم دادگاه بدوی و تجدیدنظر به شماره دادنامه‌های: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۵۰۲۰۵۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۰؛ ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۵۰۱۹۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۰؛ ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۶۰۲۰۷۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۰۴؛ ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۴۵۰۰۵۸۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۸؛ ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۱۰۰۶۶۴ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۲ و... .

توجه به نهاد خانواده، زنان و بالطبع فعالیت‌های خانه‌داری زنان، به طور کلی در برخی از قوانین و اسناد ایران، مد نظر قرار گرفته است، اما زمانی که به لایه‌های پایین‌تر در سطح قانون‌گذاری، عملیاتی کردن و پیاده‌سازی قوانین مراجعه می‌شود، از میزان قانون‌گذاری در چهارچوب خانواده‌محوری و اجرایی ساختن قوانین برای کلیه زنان خانه‌دار کاسته شده و در حد پیاده‌سازی برخی برنامه‌های حمایتی برای همه زنان خانه‌دار باقی می‌ماند (اهم آنها توجه به ایجاد تسهیلات برای زنان خانه‌دار، توجه به بیمه زنان خانه‌دار و ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان خانه‌دار است).

آنچه در حالت کلی در خصوص سیاست‌گذاری‌های فعالیت‌های خانه‌داری زنان در ایران می‌توان گفت این است که توجه به زنان خانه‌دار و فعالیت خانه‌داری زنان، در حد سیاست‌گذاری باقی مانده و به دلایل مختلف نظیر عدم تعریف صحیح از فعالیت خانه‌داری زنان، عدم وجود نقشه جامع قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه خانواده و زنان، عدم جداسازی زنان خانه‌دار از زنان شاغل، تحت پوشش قرار ندادن کلیه زنان خانه‌دار، در نظر نگرفتن ضمانت اجرای مناسب برای قوانین مصوب زنان خانه‌دار، عدم تخصیص صحیح تسهیلات و بودجه به فعالیت خانه‌داری زنان، عدم توجه قانون‌گذاران به اهداف و چشم‌اندازهای اساسی در حوزه خانواده (خانواده‌محوری در حوزه قانون‌گذاری و اجرای قانون)، عدم توجه به ویژگی‌های خاص خانواده ایرانی و عدم توجه به ویژگی‌های جمعیتی ایران و...، اجرای قوانین با مشکلات و نقاط ضعف فراوان مواجه است.

ازآنجاکه اقدامات ملی نیاز به بودجه‌های کلان و ضمانت اجرا دارد، لازم است سیاست‌گذاری مدونی در حوزه فعالیت خانه‌داری زنان و تدوین قوانین و تعیین بودجه‌بندی انجام گیرد و در سطح ملی قابل پیگیری شوند؛ زیرا قوانین موجود به دلیل پراکندگی و عدم توجه به زوایای مختلف کار زنان در خانواده، چندان موثر نبوده‌اند. برای نمونه، تصویب قانون بیمه زنان خانه‌دار، به‌عنوان یکی از تسهیلات اختصاص‌یافته به زنان، به گونه‌ای تدوین شده است که زنان خانه‌دار می‌بایست در ازای پرداخت مبلغ ماهیانه ۳۱۲ الی ۳۶۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۰، خود را بیمه می‌کردند. این در حالی است که قانون‌گذار در نظر نگرفته است که زن

خانه‌داری که دارای درآمد نیست، چگونه می‌تواند چنین مبلغی را پرداخت نماید و یا زنان بالای ۵۰ سال که فاقد بیمه هستند، باید چه کنند؟! از دیگر سو، به دلیل عدم اطلاع‌رسانی مناسب، بسیاری از زنان خانه‌دار، از وجود چنین قانونی بی‌اطلاع هستند. همچنین تعدادی از این بندها و ماده‌ها، به دنبال ورود زنان خانه‌دار به بازار اشتغال و ایجاد فرصت شغلی برای آنها هستند تا با اشتغال این قشر، مسئولیت حکومت کمتر شود.

شایان ذکر است موارد مذکور، تنها ماده‌های قانونی و اسنادی هستند که به طور مستقیم، موضوع خانه‌داری یا زن خانه‌دار در آن قید شده است، اما باید در نظر داشت قوانینی وجود دارد که بخشی از زنان خانه‌دار را دربرمی‌گیرد، اما چون تحت عنوان زنان خانه‌دار یا خانه‌داری زنان از آنها یاد نشده است، بیان نشده‌اند. به‌عنوان مثال، قوانین مربوط به زنان سرپرست خانوار، قوانین مربوط به زنان بدسرپرست و بی‌سرپرست و همچنین بیوه‌گان، اگرچه بخشی از جامعه زنان خانه‌دار را به خود اختصاص می‌دهند، اما مد نظر قرار نگرفته‌اند؛ چراکه این بخش از جامعه زنان، تنها بخشی از زنان خانه‌دار را دربرگرفته و مصوبات آنان شامل حالِ تمام زنان خانه‌دار نمی‌شود. دوم اینکه برخی از قوانین نیز برعکس دسته اول، شامل هم زنان خانه‌دار می‌شوند و هم زنان شاغل و ازآنجا که منفک نشده‌اند به آنها نیز اشاره نشده است.

با توجه به موارد احصاءشده، می‌بایست نکات مهمی در روند سیاستگذاری‌ها و قانون‌گذاری مد نظر قرار گیرند که به شرح ذیل و در برخی موارد به‌صورت پیشنهاد ارائه می‌شوند:

۱. با توجه به اینکه اغلب قوانین موجود در حوزه کار خانگی به‌صورت راهبردی هستند، لازم است به سطوح میانی و خرد و قابل اجرا در سطح ملی تبدیل شوند.

۲. محور قرار دادن خانواده در قانون‌گذاری‌ها و به عبارتی، محوریت خانواده در قانون‌گذاری، از لوازم ثبات، دوام و استحکام جامعه است و قوانین مقطعی و پراکنده نمی‌توانند راهکارهایی مناسب باشند.

۳. استفاده از ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و پتانسیل‌های بالقوه فعالیت خانه‌داری زنان می‌تواند جهش عظیمی در سطح جامعه ایجاد کند. به‌عنوان مثال می‌توان برنامه‌ها و کارهای

بدون محدودیت (با مزد و یا بدون مزد) برای زنان خانه‌دار تدوین و برنامه‌ریزی کرد تا بدین طریق زنان احساس ارزشمندی بیشتری نمایند و درعین‌حال استعدادهای زنان خانه‌دار را به کار گرفت و در راستای رشد این قشر جامعه، گام موثری برداشت.

۴. عدم در نظر گرفتن ضمانت اجرای قوانین، موجب شده است که این قوانین به‌صورت جزیره‌ای و به فراخور نیاز قوانین و آیین‌نامه‌ها و... تدوین شوند و زوایای مختلف آن مد نظر قرار نگیرد.

۵. با وجود اینکه در برخی از قوانین مصوب، قید و شرطی برای زنان در نظر گرفته نشده است، اما در عمل و هنگام اجرایی شدن در ارگان‌های مربوطه، قوانین بسیار محصور شده و به تعداد معدودی از زنان اختصاص پیدا کرده است، مانند زنان سرپرست خانوار، زنان بی‌سرپرست و... .

۶. لازم است تفکیک مناسبی برای قانون‌گذاری در حوزه فعالیت خانه‌داری زنان صورت گیرد و به طور دقیق مشخص شود که قوانین، مربوط به کدام قشر از زنان و بالطبع، زنان خانه‌دار هستند.

۷. اختصاص بودجه کم، ضربه سنگینی به حیثیت افراد می‌زند؛ چراکه بسیاری اوقات وقتی مبالغ کمک‌هزینه با مخارج اساسی خانواده مقایسه شود، ملاحظه می‌گردد که این کمک‌هزینه، حتی ۱۰ درصد مخارج آنها را تأمین نمی‌کند. به‌عنوان نمونه، با وجود بسیاری از فیلترها برای اختصاص بودجه به زنان بدسرپرست، بی‌سرپرست، خودسرپرست و بیوه‌گان، کمک‌هزینه ماهیانه‌ای که به این افراد اختصاص پیدا می‌کند بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، بسته به میزان ناتوانی، تعداد فرزندان، وضعیت مسکن، توانایی اشتغال و... است. همچنین به زنان زیر ۴۰ سال، بدون فرزند و... کمک‌هزینه‌ای پرداخت نمی‌شود. این در حالی است که قانون، محدودیتی برای این قشر زنان قائل نیست، ولی ازآنجاکه دولت مدعی است با محدودیت منابع برای تامین مخارج برنامه حمایتی مواجه است، بسیاری افراد دیگر را نیز از دایره موارد ذکرشده در قانون حذف می‌کند و تنها بخش بسیار محدودی مشمول این قوانین

می‌شوند و چه بسا این امر، موجب سلیقه‌ای عمل کردن مجریان این برنامه ها باشد. در بحث تخصیص بودجه به زنان نامبرده در مثال بالا، این سوال مطرح می‌شود که زنان زیر ۴۰ سال و یا بالای ۴۰ سال بدون فرزندِ بدسرپرست یا بیوه و بی‌سرپرستی که حامی خویشاوند یا مالی ندارند و شاغل هم نیستند، درعین‌حال آبرومندند و توانایی‌های خاص تصدی شغل ندارند، چگونه باید امرار معاش کنند؟! عدم رسیدگی به این بخش کوچک جامعه موجب می‌شود برخی آسیب های اجتماعی فزونی یابد.

۸. در خصوص مادران خانه دار، مطلوب است همه مادران، مشمول انواع بیمه‌های اجتماعی از جمله بیمه تامین اجتماعی و بازنشستگی و... شوند و این امر، فقط به زنان دارای ۳ فرزند و بیشتر محدود نشود.

۹. پرداخت بازنشستگی به زنان خانه دار بالای ۶۵ سال یا ۷۰ سال، برحسب مدت زمان ازدواج، تعداد فرزندان، میزان خدمات دیگر نظیر پرستاری و نگهداری پدر و مادر خود، پدر و مادر همسر، فرزند یا همسر ناتوان و معلول و...، به‌ویژه دارای اهمیت است؛ زیرا خدمات غیرمادی و معنوی زنان، دارای ابعاد بسیار ارزشمندی بوده و فراتر از ارزش‌های صرفاً مادی است.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. اسفندیاری, علی اصغر؛ پدرام، مهدی و مجدم، صادق (۱۳۹۲)، «اقتصاد غیررسمی، خانه‌داری زنان و عوامل موثر بر آن(مطالعه موردی زنان متأهل شهر اهواز)»، *مطالعات اختصاصی روان‌شناسی زنان، سال ۱۱*، ش ۴ ، ص: ۹۱-۱۱۱.

۲. اویسی، زهرا، (۱۳۸۹ش)، «نقش اشتغال زنان در توسعه روستایی با تاکید بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه دکتر علی شریعتی.

۳. ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰ش) «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، سال سوم، ش۲، ص ۱۵-۴۴.

۴. باقری، شهلا (۱۳۹۰ش)، «ارزش‌افزوده کارِ خانه‌داری زنان و عوامل موثر بر آن»، *زن در توسعه*، دوره نهم، ش۳، ص۸۹-۱۰۹.

۵. باقری، محمدرضا (۱۳۹۵). «نقش زنان در اقتصاد خانواده». *فصلنامه* جمعیت. سال ۲۱، ش ۹۷ و ۹۸. ص۹۳-۸۷.

۶. بدری‌منش، اعظم و صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۳ش)، «بررسی عوامل جامعه‌شناختی رضایت‌مندی زنان از خانه داری (نمونه موردی شهر تهران)»، فصلنامه پژوهشی *زن و جامعه*، سال پنجم، ش۱، ص۱-۲۰.

۷. بستان، حسین (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*: قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۸. تانگ، رزماری (۱۳۹۶)، *نقد و نظر؛ درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه عراقچی، تهران: نشر نی.

۹. جزنی، نسرین، (۱۳۸۳ش)، *ارزش کار خانگی زن*، تهران: سوره مهر.

۱۰. جمیلی کهنه‌شهری، فاطمه (۱۳۸۰ش)، «آسیب‌شناسی نظری و روشی مطالعات تقسیم‌کار خانگی: به‌سوی یک رویکرد روش‌شناختی». فصلنامه علمی- پژوهشی *دانشگاه الزهرا*ﷺ . سال یازدهم، ش۳۷-۳۸، ص۱۵۹-۱۹۲.

۱۱. حسینی، حسن و عزیزی، مینا (۱۳۹۵)، «بررسی قوانین و سیاست های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران»، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۴، ش ۱، شماره پیاپی ۷، ص ۷-۳۴.

۱۲. سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۸۷ش)، «چالش‌ها و فرصت‌های فراروی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی»، نشریه *علوم اجتماعی*، ش۱، ص۹۰-۱۰۱.

۱۳. سیاست ها و راهبردهای ارتقاء سلامت زنان در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۸۶.

۱۴. سیاست های کلی و قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

۱۵. سیاست های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۷۱.

۱۶. صادقی فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴ش)، «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم

اجتماعی (موردمطالعه: تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی)»، *راهبرد فرهنگ*، ش۲۹، ص۶۱-۹۱.
۱۷. عربیون، ابوالقاسم؛ عبدی جمایران، علی؛ شعبانی، هادی و بدخشان فرج آبادی، میثم (۱۳۹۴ش)، «فرهنگ همیاری در کسب‌وکارهای خانگی»، اجلاس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم تربیتی موسسه علوم و فناوری خوارزمی شیراز.
۱۸. قائدی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵)، «روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی»، نشریه روش ها و مدل های روان‌شناختی، سال ۷، ش۲۳، ص۵۷-۸۲.
۱۹. کربین، جولیت و استراوس، انسلم (۱۳۹۱)، مبانی پژوهش کیفی: *فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
۲۰. کرمی‌نامی‌وندی، شمسی؛ سلجوقی، مهدیه؛ سلمانپور، سعیده و عطاالهی، زینب (۱۳۹۲ش)، ارزش کار خانگی زن، هرمزگان: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران.
۲۱. کشاورز، خدیجه (۱۳۹۷ش)، «دشواری‌های میان زندگی خانوادگی و تحقق خود در میان زنان متأهل خانواده‌های ایرانی»، فصلنامه *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال چهاردهم، ش۵۰، ص۸۵-۱۰۹.
۲۲. مومنی راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه، فردانش، هاشم و مزینی، ناصر (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، *اندازه‌گیری تربیتی*، سال ۴، ش ۱۴، ص ۱۸۷-۲۲۲.
۲۳. نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب ۱۳۹۲.
۲۴. www.amar.org.ir

منابع لاتین

1. Frisco, M. L & Williams, K. (2003). Perceived housework equty, marital happiness and divorce in dual-earner households, journal of Family Issues, 24, 51-72.
2. Greenstein, T. N. (2006). National context, family satisfaction and fairness in the division of household labor [on-line]. Available: www. Melbouneinstatute.co-m/hild/conf/conf2007
3. Pereka, A. K. (1998): "The role of woman in rural development in Tanzania", second pan commonwealth Veterinary Conference on Animal Health and Production in Rural Areas, the Essential Role of Women at all Levels, Vol 1. Bangalore, India.